



ترجمه رسمی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مسئله ترجمه رسمی برای نیازمندان و مخصوصاً برای بیگانگان مشکل عجیبی است، در انتخاب مترجمین رسمی نسبت به لزوم تبصر و تسلط به دوزبان دقت فوق العاده لازم است و باید توجه داشت که در صدور پروانه‌های مترجمین جنبه احساسات ارفاق و ترحم بر هر چیز دیگر غلبه نکند و الا در چنین صورتی از یکطرف بعلت بالا رفتن هزینه زندگی و پائین آمدن قدرت خرید ریال و توقف تعرفه حق ترجمه، مترجمینی که می‌توانند از ممر دیگری تحصیل عایدی بهتر کنند از قبول و مباشرت در این کار اعراض می‌کنند و عده‌ای که بخوبی از عهده ترجمه صادق و دقیق بر نمی‌آیند در راهرو ادار دفتنی داد گستری معتکف میشوند و برای سبقت گرفتن تشبث و تلاش می‌کنند. چون

اولاً مترجمین طبقه‌بندی نشده و در رشته محدود و معینی تخصص ندارند در بعضی از ترجمه‌ها هدف و مقصود مترجم از وصول حق الترجمة تجاوز نمی‌کند و اگر مورد بازدید و بررسی مجدد واقع نشود و اداره فنی صرفاً امضای مترجمین انتخابی را تصدیق کند ترجمه‌های بسیاری بدست مردم داده میشود که نه تنها با مفاهیم اصول ترجمه شده مطابقت نداشته بلکه اصلاً مفهومی ندارند و من هنگام نوشتن این‌سطور ترجمه فارسی شرائط حمل و نقل مندرج در ظهر بار نامه‌ای را در دست دارم که به هدیان مریض حصبه‌ای میماند و نمیدانم این مترجم اگر از فارسی بزبان دیگر ترجمه کند چه خواهد کرد.

وقتی يك مترجم رسمی دلالت الفاظ و حدود معانی لغات و اصطلاحات را نشناسد و خود فارسی آن را نفهمد نارسا بزبان دیگر در می‌آورد و این قبیل ترجمه‌ها حقوق از اصحاب دعاوی را در معرض هدر قرار میدهد. چندی قبل دیدم يك ترجمه رسمی دادگستری ایران را باعکس متن فارسی آن از لندن به بانك ایران و خاورمیانه فرستاده و تقاضا کرده بودند که مترجم بانك ترجمه یا تفسیر کند و بعد از وصول ترجمه‌ای که مترجم غیررسمی کرده بود از ترجمه رسمی اظهار تعجب کردند، مع الوصف با اینکه در اداره فنی مترجم موظفی نداریم که احتیاجات مراجعین را مرتفع کنیم و ارباب رجوع ناچار باید اصول اسناد خود را بوسیله اداره فنی ب مترجمین متفرق تسلیم کنند و اگر در خانه مترجم سوپ یا سالاد روی اصل ریخته‌شد یا بچه مترجم اصل را پاره یا مخطط کرد هیچگونه دلیل و مدرکی که حاکی از چگونگی هنگام تحویل و استرداد باشد در دست نیست اگر که برای ترجمه به مترجم یا دارالترجمه داده میشود همراه فتوکپی باشد و در ظهر يك نسخه از فتوکپی که حاکی از وضعیت خط و امضاء و مندرجات سند است وصول اصل اعلام و بمنزله رسید به متقاضی تسلیم کننده نگرانی صاحب سند از گم شدن یا بدست

طرف متخاصم یا ذیربط افتادن یا کم و زیاد یا تغییر نفی و اثبات یا عدد آن موردی پیدا نخواهد کرد .

وقت تهیه و رد ترجمه نیز یکی از مشکلات این کار است زیرا وقتی مترجمین ثابت و موظف در محل معین نباشند و اسناد اصحاب دعاوی یا معاملات به اشخاصیکه اداره فنی معین میکند داده شود و بعلمتی از علل بجای مثلاً سه روز بعد از سی روز حاضر و عودت داده شود و در اثر تأخیر زبانی متوجه متقاضی ترجمه گردد مسئولیت مدنی دارد و بدون تردید در برنامه تکاملی وزارت دادگستری اینگونه نکات ملحوظ است. باشد که وزارت دادگستری کار ترجمه رسمی را از لحاظ صلاحیت و تخصص مترجمین و نحوه اخذ و استرداد اسناد و نکات بسیار دیگری مورد توجه خاص قرار دهد و مخصوصاً باین نکته عنایت شود که وقتی بعضی از ترجمه‌ها بدست بیگانگان و اهل فن داده میشود و می‌فهمند که مترجم نفهمیده و ترجمه بی‌معنی و غلط است مسئله امکان احقاق حق و رغبت در سرمایه‌گذاری را قابل تأمل تلقی می‌کنند و برای احتراز از این احتمالات اقتضا دارد که نوع ترجمه‌ها متناسب با دانش و تخصص مترجمین تقسیم و ارجاع گردد و اساساً مانند سایر کشورهای مترقی مترجمین مخصوص و متخصصی برای رشته‌های گوناگون تجارتي، صنعتی، ادبی، علمی، طبی و غیره تربیت و پروانه‌های محدود صادر نمود .

غیر از ترجمه یکی از مشکلات تسجیل اسناد عادی بیگانگان یا اسنادی است که بالسنه بیگانه تنظیم شده و فقط از لحاظ صحت انتساب امضا و هویت امضاء کننده احتیاج به تصدیق و تسجیل پیدا میکند .

با توجه باین معنی که ثبت تمام اسناد قانوناً اجباری نیست تا سال گذشته اگر سندی به زبان خارجی برای تصدیق امضاء بدفاتر رسمی ارجاع می‌شد سردفتر بنا ذکر اینکه تصدیق فقط ناظر بامضاء و فارغ از مندرجات دیگر است امضاء را

تصدیق میکرد اداره امور اسناد هم سمت و امضای سردفتر را گواهی میداد و اگر برای خارج از ایران بوده اداره سجلات و وزارت امور خارجه هم سمت و صحت مهر و امضای رئیس اداره امور اسناد ثبت کل را تصدیق میکرد و این کار در عین حالیکه مخالف قانون و نظامات کشور نبود برای بیگانگان وسیله تسهیل و تسریع می شد هیچگونه طالی فاسدی هم نداشت زیرا هر سندی فقط بر علیه امضاء کننده نافذ و مؤثر است و بر فرض اینکه امضاء کننده در سندی اقرار بارتکاب جرمی کند تصدیق امضای وی اثبات جرم را تسهیل می کند و بطور کلی فرض و احتمال اینککه هیچگونه سندی بر علیه شخص خارج و ثالثی اثر قضائی داشته باشد که آن اثر و نتیجه غیر از صحت صدور و انتساب با غیر مصدق آن تفاوت داشته باشد ممکن نیست .

مع الوصف مدتی است اداره سجلات و وزارت امور خارجه تصدیق امضای اداره امور اسناد را موکول به ترجمه رسمی سند میکند و با این فقره مضیق مترجم کسیکه به زبان مادری خود، از مقامات کشوری خود، تقاضای تمدید گذرنامه میکند یا بزبان مادری خود و خطاب بمقامات کشوری خود اجازه سفر بزوجه خویش میدهد و غیر از تصدیق و تسجیل احتیاج به تقاضائی ندارد باید ترجمه رسمی فارسی را نه برای خودش بلکه برای اداره سجلات که سود و زیان یا صلاحیت دخالت در متون و مفاد این اسناد ندارد بفارسی ترجمه کند در صورتیکه معمولاً در این قبیل ادارات وزارت خارجه متصدیان بالسنه ردیف اول مثلاً فرانسه - انگلیسی - آلمانی - روسی و ایتالیائی کم و بیش آشنائی دارند ولی برای زبان چینی یا ژاپونی یا سوئدی که مترجم رسمی هم نداریم باید يك عمل لغو و غیر لازمی تحمیل شود تا از چینی به ژاپونی و از آن مثلا به انگلیسی و از انگلیسی به فارسی ترجمه گردد و این خارجی بیچاره که بعنوان جلب سیاح یا جلب سرمایه خارجی یا بصورت دیگر چند صباحی مهمان ماست يك ترجمه زائد و غیر لازم با خرج گران تهیه کند و آن ترجمه ای که در دست چند غیر مسئول

گشته و عاقبت بوسیله مترجم رسمی بفارسی در آمده يك دینار نه بدرد صاحب کار و نه بدرد وزارت خارجه بخورد . در این باب با اداره سجلات وزارت خارجه مکاتبه و مذاکره شده است ولی الزام ترجمه این قبیل اسناد عادی را محکم کاری و يك کار ابتکاری تصور می کند . چون مبدأ مراجعه و تقاضای این اشخاص دفاتر اسناد رسمی است و ممکن است مادر این عقاید و نظریات خود اشتباه کنیم و حق واقتضا غیر از این باشد خیلی خرسند و سپاسگزار خواهیم بود که این مسئله را اداره فنی وزارت دادگستری با اداره سجلات وزارت خارجه بررسی و حل کنند و اگر دلائلی بر رد و تخطئه مراتبی که گفته شد سراغ دارند مرقوم فرمایند تا بروشن شدن اذهان کمک شود .

فقدان تشکیلات منظم یکی از مهم ترین نقاط ضعف است، طبقات متعددی از مردان سیاسی نوبه به نوبه سعی کردند که برای این درد چاره ای بیاندیشند لیکن هیچکدام موفق نشدند. برای ذکر نمونه این نقص میتوان نکته ای را را مثال آورده که در قرن پیش بعضی از کوچه های پاریس را در عرض يك ماه چند بار حفر و دوباره پر میکردند ، برای اینکه ادارات گاز و لوله آب و الکتریسته نمی توانستند تفاهم و با یکدیگر موافقت کرده و این کار را در یک دفعه انجام دهند.

گوستاو لوبون